فصلنامه علمی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»
سال شانزدهم: شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۵
صفحات: ۳۸ - ۱۹
شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/RJIR.2026.32212.4019
«مقاله‌ی پژوهشی»

Pažuhešhnâme-ye Enghelâbe Eslâmi
A Quarterly Scientific Journal
on Islamic Revolution
Vol 16, No 59, Summer 2026

تحلیل الگوی تجدد بومی به‌مثابه رویکرد گذار از مدرنیته غربی در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

سید محمدرضا قدردانی[۱]
علی‌اصغر داودی[۲*]
حمید سعیدی‌جوادی[۳]

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین «الگوی تجدد بومی در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای» انجام شده است. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان در چارچوب اندیشه رهبر شهید انقلاب اسلامی، الگویی بدیل از مدرنیته ارائه داد که ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای عقلانیت و علم مدرن، با مبانی دینی و فرهنگی ایران سازگار باشد.

روش‌شناسی پژوهش: روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی، با رویکرد تفسیرگرایانه و مبتنی بر مطالعه اسنادی است و تلاش شده با بررسی بیانات و آثار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، ساختار مفهومی و معرفتی الگوی تجدد بومی در نگاه ایشان واکاوی شود.

یافته‌ها: نشان می‌دهد در پروژه تمدن‌سازی مطرح شده در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، تجدد بومی، بر سه سازه بنیادین استوار است: عقلانیت دینی، نقد مدرنیته غربی همراه با طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه. شش ویژگی کلیدی، شاکله عملیاتی این الگو را تشکیل می‌دهند: معنویت‌گرایی، عدالت‌خواهی، علم‌گرایی، استقلال‌طلبی، مردم‌سالاری دینی و حفظ هویت ملی.

نتیجه‌گیری: الگوی تجدد بومی در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، کوششی برای ارائه مدلی جامع از توسعه تمدنی است که هم‌زمان بر پیوند میان اخلاق، عدالت و علم تأکید دارد و گذار از مدرنیته غربی را در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ممکن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، تجدد بومی، عقلانیت دینی، پیشرفت اسلامی- ایرانی، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، عدالت‌خواهی.

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. **Email:** m.ghadrdani@iau.ac.ir
۲- دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) **Email:** Ali.Davoudi@iau.ac.ir
۳- استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. **Email:** ha.saeedijavadi@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳

مقدمه

جهان معاصر با چالش‌ها و بحران‌های چندبُعدی در عرصه‌های معرفتی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی روبه‌روست؛ بحران‌هایی که بخش عمده‌ای از آن‌ها در تمدن مدرن غربی ریشه دارند. مدرنیته غربی، علی‌رغم دستاوردهای مادی و فناورانه گسترده، در پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی، هویتی و اخلاقی بشر ناکام مانده و جوامع مختلف را با پدیده‌هایی هم‌چون بحران معنا، فروپاشی نهاد خانواده، فردگرایی افراطی، مصرف‌گرایی بی‌حد و مرز و گسترش نابرابری‌های اجتماعی مواجه ساخته است. تجربه مدرنیته در غرب، به‌ویژه در قرن‌های نوزدهم و بیستم، نشان داد پیشرفت فنی، لزوماً به تعالی اخلاقی و انسانی منجر نمی‌شود. از منظر آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، «محصول تجربه غرب در نظام‌های اجتماعی، یکی فاشیسم است، حکومت نازی؛ یکی کمونیسم است، حکومت بلوک شرق سابق؛ یکی هم لیبرالیسم است، حاکمیت مطلق‌العنان امروز دنیا ... همه جنایت‌هایی که تقریباً در طول صد و پنجاه سال اخیر صورت گرفته ... محصول تجربه غرب است» (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۱۹: ۱۲۷). این واقعیت‌ها، ضرورت بازاندیشی در الگوی مسلط تمدنی و جست‌وجوی بدیل‌هایی را که هم‌سو با فرهنگ، دین و تاریخ جوامع غیرغربی باشند، بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در همین راستا، پروژه «تمدن اسلامی» که در گفتمان انقلاب اسلامی و به‌ویژه در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای تبیین شده، تلاشی برای ارائه الگویی بدیل در برابر مدرنیته غربی است. هدف این پروژه، بازآفرینی تمدن اسلامی در بستر جامعه ایرانی و دست‌یابی به «حیات طیبه» به‌عنوان غایت تمدنی انقلاب اسلامی است (عبدالملکی و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۱۹). در این میان، مفهوم «تجدد بومی»، جایگاهی محوری دارد؛ مفهومی که به معنای پشت کردن به دستاوردهای بشری نیست، بلکه ناظر به گذار فعال، انتقادی و آگاهانه از مدرنیته غربی با تکیه بر عناصر هویت‌ساز اسلامی و ایرانی است. تجدد بومی بر ضرورت آگاهی یافتن از پیشرفت علوم و ماهیت تمدن‌های دیگر و در عین‌حال، درون‌زایی و خودآگاهی تاریخی تأکید دارد (بهنام، ۲۰۱۵: ۲). در این چشم‌انداز، اندیشه‌های آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای می‌توانند به‌عنوان منظومه‌ای فکری و راهبردی، مبانی نظری و عملی لازم برای تحقق تجدد بومی در ایران را فراهم آورند و نقشه راه تمدن نوین اسلامی را ترسیم کنند.

در نگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی، تمدن‌سازی، نه براساس الگوهای وارداتی، بلکه برپایه اصول و ارزش‌های دینی و مبانی فرهنگی و تاریخی پیگیری می‌شود. از این‌رو، هدف مقاله حاضر، تحلیل و تبیین ساختار مفهومی تجدد بومی در منظومه فکری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در چارچوب پروژه تمدن‌سازی است و طی آن، شناسایی سازه‌ها و ویژگی‌های اصلی تجدد بومی در آثار و بیانات ایشان صورت می‌گیرد.

بر این مبنا، پرسش اصلی این است که در پروژه تمدن‌سازی مطرح شده در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، سازه‌های مفهومی و ویژگی‌های محوریِ تجدد بومی، به‌مثابه رویکرد گذار از مدرنیته غربی، چه مواردی هستند و چگونه صورت‌بندی شده‌اند؟ فرضیه ما این است که تجدد بومی در اندیشه آیت‌الله

سیدعلی خامنه‌ای، برپایه سه سازه اساسی شکل گرفته است: عقلانیت دینی، نقد مدرنیته غربی همراه با تلاش برای طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه؛ این سازه‌ها، بنیان‌های نظری الگویی بدیل از تجدد را فراهم می‌آورند که ویژگی‌های محوری آن عبارت‌اند از معنویت‌گرایی، عدالت‌خواهی، علم‌گرایی، استقلال‌طلبی، مردم‌سالاری دینی، و حفظ هویت ملی.

پژوهش حاضر از نوع کیفی، توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر رویکرد تفسیرگرایی است. رویکرد تفسیری، با معناکاوی در دنیای ذهنی بازیگران اجتماعی، به‌دنبال فهم باورها، ارزش‌ها و قواعد زندگی افرادی است که موضوع پژوهش هستند (سیدامامی، ۲۰۲۱: ۶۸). بر این اساس، در مقاله پیش‌رو، داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و آثار و بیانات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۳، به‌صورت نظام‌مند بررسی می‌شوند. برای تحقق این امر، منابع اولیه و ثانویه مرتبط با دیدگاه‌های ایشان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. منابع اولیه، شامل مجموعه بیانات و آثار مکتوب ایشان و منابع ثانویه، شامل کتاب‌ها و مقالات علمی مرتبط با موضوع است. تحلیل داده‌ها با تمرکز بر کشف سازه‌های مفهومیِ الگوی تجدد بومی و شناخت ویژگی‌های محوری این الگو در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای انجام می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه تبیین اندیشه تمدنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای انجام شده است که هر یک، از زاویه‌ای خاص، به مفهوم «تمدن نوین اسلامی» پرداخته‌اند. با این‌حال، اغلب این آثار، بر مبانی معرفتی یا گفتمانی تمدن، تمرکز داشته و به ایده «تجدد بومی» به‌مثابه رویکردی برای گذار از مدرنیته غربی، توجه نکرده‌اند. در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط، معرفی و نسبت آن‌ها با مسئله محوری مقاله حاضر، تبیین می‌شود.

نبی‌الله روحی در پژوهشی با عنوان «*چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری*» (۲۰۱۳)، با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان، به بررسی نظام معنایی گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای می‌پردازد و آن را با دو گفتمانِ سنت‌گراییِ شریعت‌محور و تجددگراییِ غرب‌محور مقایسه می‌کند. روحی نشان می‌دهد مقابله با نظام سلطه غرب، بهره‌مندی از دستاوردهای علم مدرن در حوزه علوم تجربی و ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی، از مؤلفه‌های اصلی گفتمان تمدن‌گرایی اسلامی هستند. هر چند پژوهش روحی در تحلیل گفتمان تمدن‌گرایی توفیق دارد اما به تبیین سازه‌های مفهومی و ویژگی‌های «تجدد بومی» نمی‌پردازد.

محمدرضا بهمنی در «*تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران*» (۲۰۱۴)، با رویکردی تاریخی- تحلیلی به بررسی سیر تکوین اندیشه تمدنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای می‌پردازد. در این پژوهش، امکان تحقق تمدن نوین اسلامی، مفهوم

شناسی آن و مراحل ایجاد و تکاملش مورد واکاوی قرار می‌گیرد و تجربه تاریخی اسلام از عصر نبوی تا جمهوری اسلامی، به‌منزله زنجیره‌ای پیوسته در مسیر تمدن‌سازی معرفی می‌شود. با این‌حال، توجه اصلی بهمنی، بر فرآیند تاریخی و عینی تحقق تمدن اسلامی متمرکز است و چارچوب نظری تجدد بومی را بررسی نمی‌کند.

مرتضی اکبری و فریدون رضایی در مقاله «*واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری*» (۲۰۱۵)، با رویکردی توصیفی- تحلیلی، در پی شناسایی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی هستند. در این مقاله، محوریت قوانین قرآن، عقلانیت و خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت و حکومت مردمی، از جمله مؤلفه‌هایی معرفی شده‌اند که در بیانات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای بر آن‌ها تأکید شده است. این پژوهش، اگر چه شاخصه‌های تمدن اسلامی را استخراج می‌کند، اما به مقوله «تجدد بومی» و جایگاه آن در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای نمی‌پردازد.

مصطفی سلطانی و همکاران در مقاله «*بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری*» (۲۰۱۹)، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، به شناسایی و تبیین پایه‌های اساسی تمدن نوین اسلامی در آثار گفتاری و نوشتاری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد این تمدن بر اصولی همچون توحیدمحوری، تلفیق عقل و نقل، کرامت انسانی و سعادت دنیوی و اخروی استوار است. با وجود این، پژوهش سلطانی و همکاران، بیش‌تر بر مبانی معرفتی تمدن تمرکز دارد و نسبت آن را با مدرنیته غربی و نیز ایده «آرمان‌خواهی واقع‌بینانه» بررسی نکرده است.

محمد رحیمیان و همکاران در پژوهشی با عنوان «*تحلیل گفتمان تمدن نوین اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای براساس نظریه جیمز پل جی*» (۲۰۲۳)، با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان، ساختار مفهومی و زبانی بیانات رهبر شهید انقلاب درباره تمدن نوین اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد نقد فرهنگ مهاجم غرب، نقش امت اسلامی و نخبگان و اهمیت سبک زندگی اسلامی، از مؤلفه‌های محوری در گفتمان تمدن نوین اسلامی هستند. این پژوهش، اگرچه گفتمان تمدن اسلامی را تبیین می‌کند، اما ایده «تجدد بومی» را به‌مثابه راهبردی برای گذار از مدرنیته غربی، مورد توجه قرار نمی‌دهد.

بررسی پژوهش‌های یاد شده، نشان می‌دهد با وجود تلاش‌های ارزشمند در حوزه مطالعات تمدنی، تاکنون، پژوهشی متمرکز بر تحلیل «الگوی تجدد بومی» به‌عنوان محور نظری پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، انجام نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است این خلأ نظری را پُر کرده و سازه‌های مفهومی و ویژگی‌های محوری الگوی تجدد بومی را در اندیشه تمدنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای شناسایی و تبیین نماید.

چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش برپایه دو مفهوم «تمدن اسلامی» و «تجدد بومی»، بنا شده است. رویکرد نظریِ ما باید به گونه‌ای باشد که رابطه درونی این دو مفهوم و نقشِ آن‌ها در شکل‌دهی به الگوی بدیل تجدد را در منظومه فکری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای روشن سازد. «تمدن» از منظر لغوی، به معنای شهرنشین شدن و اقامت در شهر است؛ هم‌چنین، برخی، تمدن داشتن را معادل دارای تربیت اجتماعی بودن و به مرحله عالی تربیت اجتماعی رسیدن، در نظر می‌گیرند (جان‌احمدی، ۲۰۲۰: ۲۴). در این پژوهش، منظور از اصطلاح «تمدن»، منظومه‌ای ترکیبی از بینش‌های جهان‌شناختی، نظام‌های ارزشی، ساختارهای اجتماعی- سیاسی و نمادهای فرهنگی است که به‌عنوان یک کلیتِ جهت‌دهنده، سبک زیست و افقِ معنادارِ زندگی را تعریف می‌کند.

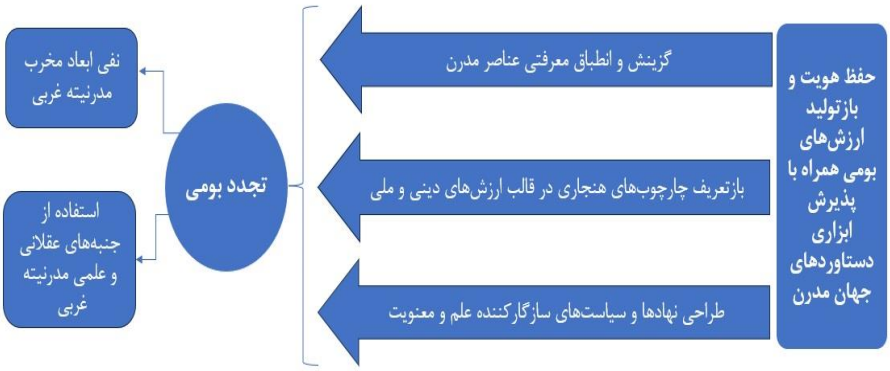
جوهره اصلی تمدن، فرهنگ است. در واقع، تمدن، مظهر و نشان‌دهنده فرهنگ به‌شمار می‌رود (اسلامی‌فرد، ۲۰۲۰: ۲۱). علاوه بر فرهنگ، عوامل متعددی مثل برقراری امنیت و آرامش، ارتقای همبستگی ملی، وجود همکاری و تعاون، اخلاق‌مداری، تحمل و بردباری، حفظ وحدت و یکپارچگی و افزایش رفاه عمومی، در زایش و اعتلای تمدن نقش دارند (ولایتی، ۲۰۰۵: ۲۰). مطابق توضیح ذکر شده، در خوانش این پژوهش، تمدن اسلامی، صرفاً یک دوره تاریخی نیست، بلکه به‌عنوان یک بستر هویت بخش و افق آرمانی تعریف می‌شود. این معنا از تمدن، نقش سه‌گانه‌ای را برای دین قائل است: ساختن معنویت فردی، تولید معرفتِ خاصِ تمدنی و سامان‌دهی نظم اجتماعی برپایه اخلاق و کرامت انسانی.

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای تمدن اسلامی را ترکیبی از دو بُعد می‌داند: بُعد «ابزاری» (علم، صنعت، قدرت سیاسی و اقتصادی) و بُعد «متنی» یا «سبک زندگی» که هویت و انسجام اجتماعی را می‌سازد. در اندیشه ایشان، بخش حقیقی تمدن، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۲). بدین‌ترتیب، تمدن اسلامی هم مؤلفه‌های مادی را دربر می‌گیرد و هم نظام‌های معنایی و هنجاری را که جهت‌دهنده این مؤلفه‌ها هستند، شامل می‌شود.

مفهوم دیگری که چارچوب نظری پژوهش را شکل می‌دهد، تجدد بومی است. تجدد را شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی می‌دانند که در اروپا پدید آمد و به‌تدریج، نفوذی کم‌وبیش جهانی پیدا کرد (گیدنز، ۲۰۰۸: ۴). با این‌حال، اگرچه تجدد از اروپا آغاز شد اما در آن‌جا محصور نماند و در دیگر جوامع، با دریافت‌ها، برداشت‌ها، روایت‌ها، ترکیب‌ها و مظاهر گوناگون به صورت‌های مختلف ظهور کرد. بنابراین، هر جامعه‌ای، می‌تواند تجدد بومی مخصوص خودش را محقق کند (محمدی، ۲۰۱۵: ۶۶). تجدد بومی را باید نوعی تحول و نوزاییِ همگام و هم‌سنخ با فرهنگ کشور دانست. در ایران، تجدد بومی، از سنت‌های ملی و مذهبی برخاسته است (نجفی، ۲۰۱۲: ۲۶). در این پژوهش، تجدد بومی، به‌عنوان فرآیندی در نظر گرفته می‌شود که هدفش تلفیق عقلانیت و علمِ مدرن با ارزش‌ها، سنت‌ها و مصالح هویتیِ ملی و دینی

است (سریع‌القلم، ۱۹۹۲: ۲۷)؛ فرآیندی که به‌جای تقلید منفعلانه از الگوهای وارداتی، بر گزینش عقلانیِ عناصر مفید و بر بازتعریف آن‌ها در درون متن فرهنگ بومی تأکید دارد.

از منظر نظری، تجدد بومی را می‌توان میان دو قطب قرار داد: از یک‌سو، حفظ هویت و بازتولید ارزش‌های بومی است و از سوی‌دیگر، پذیرشِ ابزاریِ دستاوردهای علمی و تکنیکیِ جهانِ مدرن. این تلفیق، ناظر به سه فرآیند است: گزینش و انطباق معرفتیِ عناصر مدرن، بازتعریفِ چارچوب‌های هنجاری در قالب ارزش‌های دینی و ملی، و طراحی نهادها و سیاست‌هایی که امکان سازگاری علم و معنویت را فراهم می‌سازند. تجدد بومی در عین انتقاد از ابعاد مخربِ مدرنیته غربی (مواردی از قبیل مصرف‌گرایی و فروپاشی معنوی)، پذیرای جنبه‌های عقلانی و علمی آن است و هدفش، ساختن الگویی بومی‌شده از پیشرفت است. شکل زیر، الگوی تجدد بومی مدنظر این پژوهش را نشان می‌دهد:



شکل ۱: نمودار الگوی تجدد بومی

تمدن اسلامی در چارچوب الگوی فوق، افقِ آرمانی است؛ یعنی چشم‌اندازی که جامعه، به‌سوی آن حرکت می‌کند. تجدد بومی، ابزار یا مسیرِ میانی است که امکان گذار عملی و عقلانی از وضعیت فعلی به آن افق را فراهم می‌آورد. به‌عبارت دیگر، تجدد بومی، نقشِ رابط میان «خواسته آرمانیِ احیای تمدن اسلامی» و «توانمندی‌های عملیِ جامعه» را ایفا می‌کند: از سویی، گفتمان هویتی- ارزشیِ تمدن اسلامی، چارچوبِ نهاییِ هدف را تعیین می‌کند؛ از سوی دیگر، تجدد بومی، سازوکارهای عقلانی، نهادی و فرهنگیِ تحققِ این هدف را طراحی می‌نماید. در بخش‌های بعدی پژوهش، تحلیل سازه‌های مفهومی و ویژگی‌های محوری الگوی تجدد بومی در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای ارائه می‌شود.

سازه‌های مفهومی الگوی تجدد بومی در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

تجدد بومیِ نهفته در پروژه تمدن‌سازی رهبر شهید انقلاب، در وهله نخست، مبتنی‌بر اصول بنیادین اندیشه اسلامی است. در نگاه ایشان ایمان، توحید، نبوت و ولایت، مهم‌ترین پایه‌های فکری اسلام و از سازنده‌ترین و زنده‌ترین ابعادش محسوب می‌شوند (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۱۷: ۳۵). این اصول، علاوه بر آن که باورهای فردی هستند، زیرساخت و چارچوبی برای بازتعریف مفاهیمی هم‌چون پیشرفت، عدالت، عقلانیت، علم و مردم‌سالاری، به‌شمار می‌آیند. مطابق این نگرش، تجدد بومی در امتداد و تکامل سنت‌های اسلامی تعریف می‌شود و هرگونه نوگرایی را ذیل اندیشه اسلامی معنا می‌بخشد. در کنار اصول یاد شده، سه عنصر «عقلانیت دینی»، «نقد مدرنیته غربی همراه با تلاش برای طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی»، و «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» را می‌توان به‌عنوان سایر سازه‌های مفهومی تجدد بومی در اندیشه تمدنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای معرفی کرد. در ادامه، این سازه‌ها بررسی می‌شوند:

عقلانیت دینی

عقلانیت، به‌کارگیری روشمند عقل در عرصه‌های شناخت و عمل محسوب می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، بیانگر معقول بودن یک اندیشه، رفتار یا نظام فکری است. هنگامی که از عقلانیت یک دیدگاه یا کنش سخن گفته می‌شود، وجه عقلانی و معیارهای سنجش معقولیت آن، مدنظر است. از این منظر، عقلانیت را می‌توان مجموعه‌ای از اصول، معیارها و شاخص‌ها دانست که حدود و ضوابط عقلانی بودنِ باورها یا اعمال انسانی را تعیین می‌کند (نجفی و غلامی، ۲۰۱۸: ۱۳۰). در میان انواع عقلانیت، تمایز میان عقلانیت دینی و عقلانیت خودبنیاد، تمایزی بنیادین در مباحث فلسفه تمدن به‌شمار می‌رود. عقلانیت خودبنیاد، بر محور انسان و توان مستقل عقل بشری استوار است و معرفت را از وحی و منابع قدسی جدا می‌انگارد. در مقابل، عقلانیت دینی، ضمن اذعان به کارکرد عقل، آن را در نسبت و تعامل با وحی می‌فهمد و از این طریق، پیوندی هم‌افزا میان عقل و دین برقرار می‌سازد (نعیمیان، ۲۰۱۰: ۵۵-۵۶). این دو رویکرد، به پیدایش دو الگوی تمدنی متعارض منجر شده‌اند: تمدن غربی که بر خودبنیادی عقل و اراده انسان متکی است و تمدن اسلامی که برپایه هم‌گرایی وحی و عقل قرار دارد.

در الگوی تجدد بومیِ مورد نظرِ آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، «عقلانیت دینی» به‌مثابه یکی از ستون‌های اصلی تمدن نوین اسلامی، مورد توجه است. این عقلانیت، به‌معنای طرد عقلانیت سکولار غربی و به میدان آوردن عقلانیتی برخاسته از مبانی اسلامی، متناسب با نیازهای زمان و مکان است (اسماعیلی و عباسی‌فیروزجاه، ۲۰۱۶: ۵۶). چنین عقلانیتی، عقل را نه در تعارض با دین، بلکه در امتداد هدایت الهی به‌کار می‌گیرد.

در این الگو، عقلانیت دینی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر انواع عقلانیت متمایز می‌سازد. نخست آن‌که، در برابر استبداد، افراط و تفریط ایستادگی می‌کند؛ دوم این‌که، با تقلید و تبعیت کورکورانه ناسازگار است و بر اجتهاد، نقد و انتخاب آگاهانه تأکید دارد و سوم آن‌که، ضمن پرهیز از تحجر و جمود، از

پذیرش بی‌قیدوشرط اندیشه‌های بیگانه نیز خودداری می‌کند؛ البته، از بهره‌گیری گزینشی و انتقادی از دستاوردهای مثبت تمدن‌های دیگر ابایی ندارد (بحرانی و فروتنی، ۲۰۲۱: ۷۹). این ویژگی‌ها موجب می‌شوند عقلانیت دینی به‌جای یک مفهوم ایستا، به سازوکاری فعال و پویا برای هدایت جامعه در مسیر پیشرفت تبدیل شود.

در بیانات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، عقلانیت، جایگاهی محوری دارد: دین، پایه‌اش عقلانیت است (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۰۷) و شریعت و عقلانیت در کنار هم قرار دارند (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۰۹). ایشان تصریح می‌کند که «پیروی از آن‌چه عقل سلیم به آن حکم کند ... امر دینی است» (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۱۳) و «جمهوری اسلامی ... نظامی است عقلانی» (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۰۸). براین‌اساس، عقلانیت دینی نه‌تنها رکن معرفتی دین، بلکه مبنای مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی و اجتماعی در چارچوب الگوی تجدد بومی است.

یکی از جنبه‌های عقلانیت دینی، عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان است. از منظر آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، سنت‌های تاریخی و قوانین تغییرناپذیری در عالَم وجود دارد که سعادت یا سقوط ملت‌ها، براساس آن‌ها رقم می‌خورد (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۲۱: ۱۶۳–۱۶۵). لذا، شناخت تاریخ و تأمل در سرگذشت پیشینیان، لازمه تدوین راهبردهای تمدنی آینده است.

مطابق نکات ذکر شده، عقلانیت دینی در الگوی تجدد بومی، نه صرفاً یک مفهوم نظری، بلکه سازه‌ای هنجاری و راهبردی است که مسیر حرکت جامعه اسلامی را در تعادلی میان بهره‌مندی از مواهب مادی و پاسداری از ارزش‌های معنوی هدایت می‌کند. چنین عقلانیتی با نگاهی نقادانه و گزینشی به تجربه مدرنیته غربی، ضمن استفاده از دستاوردهای مفید آن، از افتادن در دام سکولاریسم و خودبنیادی عقل پرهیز می‌کند. هم‌چنین، با ترکیب عقل، وحی و تجارب تاریخی، چارچوبی برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌سازد؛ تمدنی که در آن پیشرفت مادی، رشد اخلاقی و تعالی معنوی در پیوندی درون‌زا با یک‌دیگر قرار دارند.

نقد مدرنیته غربی و طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی

تمدن نوین غرب، برپایه مدرنیته غربی شکل گرفته و با رنسانس و انقلاب صنعتی در اروپا و آمریکا به اوج رسیده است. این تمدن، اکنون، با دستاوردهای علمی، صنعتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود. مواجهه اندیشمندان و نظام‌های سیاسی با مدرنیته غرب، متنوع است؛ گروهی، پذیرش مطلق آن را راه پیشرفت می‌دانند؛ گروهی دیگر، نفی کامل آن را در دستور کار قرار می‌دهند و گروه سوم، با شناسایی مزایا و معایب مدرنیته، درصدد تلفیق عناصر مفید آن با ارزش‌ها و فرهنگ بومی هستند (نرمانی و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۰). آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، با نقد گسترده مدرنیته غربی و در عین‌حال، عدم طرد کامل آن، در دسته سوم جای می‌گیرد و رویکردی فعالانه و هوشمندانه را دنبال می‌کند.

در نگاه رهبر شهید انقلاب، مدرنیته غربی، جلوه‌های فناوری و سهولت زندگی را فراهم آورده اما عدالت و خوشبختی انسان‌ها را تأمین نکرده و برخی ملت‌ها را فقیر و تحقیر کرده است. از این‌رو، لازم است مسلمانان با بهره‌گیری از دانش جهانی، شالوده تمدن نوین اسلامی را برپایه اصول اسلامی و بومی بنا کنند (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۱۵). این نگاه، نشان‌دهنده ضرورت طراحی الگویی بومی و مستقل برای تحقق تجدد بومی است، الگویی که ضمن بهره‌گیری گزینشی از پیشرفت‌های علمی و فنی، با ارزش‌ها، فرهنگ و هویت ایرانی- اسلامی هم‌سو باشد.

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، الگوهای رایج توسعه غربی را از نظر مبانی و آثار، ناکارآمد می‌داند و معتقد است این الگوها نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که درخصوص آزادی، عدالت و رفاه داده بودند، محقق کنند (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۶). ایشان به‌جای اصطلاح «توسعه»، از واژه «پیشرفت» استفاده می‌کند، چون توسعه، مفهوم غربی دارد (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۷). بر همین اساس، رهبر شهید انقلاب تأکید می‌کند دستور کار قطعی جمهوری اسلامی، پیروی از الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی است (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۳). این الگو، علاوه بر پایبندی به مبانی نظری اسلامی، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران را لحاظ می‌کند و طراحان آن، متفکران ایرانی هستند (رستمی‌پور، ۲۰۱۸: ۲۸۶).

در این چارچوب، سازه «نقد مدرنیته غربی همراه با طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی»، به‌عنوان یکی از محورهای اصلی تجدد بومی، میان دو رویکرد افراطی قرار می‌گیرد؛ نه تقلید کورکورانه از غرب است و نه طرد مطلق آن؛ بلکه با نقد خلاقانه و بازخوانی هوشمندانه، مسیر سوم و مستقلی برای گذار به تمدنی نوین فراهم می‌آورد. در این مسیر، دستاوردهای تمدن‌های دیگر، به‌ویژه در حوزه علم و فناوری، به‌کار گرفته می‌شوند اما باید در چارچوب ارزش‌ها و اهداف اسلامی- ایرانی سامان یابند.

هدف نهایی این سازه، دست‌یابی به پیشرفت متعالی و هویت‌مندی است که نه تنها سطح رفاه مادی جامعه را ارتقاء می‌دهد، بلکه رشد اخلاقی، معنوی و فرهنگی انسان‌ها را نیز تضمین می‌کند. در نگاه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، «پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن، به رشد و تعالی برسد» (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۰۷). بنابراین، نقد مدرنیته غربی همراه با طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، هم‌زمان، مسیر رشد کشور، خودکفایی علمی و استقرار ارزش‌هایی نظیر عدالت، اخلاق و معنویت را هموار می‌سازد و پایه‌ای استوار برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آورد.

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

آرمان، هدفی عالی است که قابلیت تحقق عملی دارد و جهت‌گیری اصلی تصمیم‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهای افراد را در زندگی مادی و معنوی مشخص می‌کند (ملایی، ۲۰۲۳: ۸۰). آرمان‌گرایی به معنای توجه و حرکت در راستای این اهداف بلندمدت است. آرمان‌ها مانند نقشه راهی عمل می‌کنند که مسیر حرکت انسان را مشخص کرده و شاخص تشخیص درستی یا نادرستی اقدامات او را تعیین می‌کنند. البته،

تحقق آرمان‌ها، همواره مستلزم درنظر گرفتن محدودیت‌ها و واقعیت‌های موجود است (روشن‌ضمیر و عربی، ۲۰۱۹: ۱۹۱).

واقع‌گرایی دولت دینی، به‌معنای عدول از آرمان‌ها نیست، بلکه توجه به مقتضیات زمانی، مکانی و شرایط واقعی جامعه را به همراه دارد (نیکونهاد و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۰۰). این تعامل پویا میان آرمان و واقعیت، اساس آرمان‌گرایی واقع‌بینانه را شکل می‌دهد و تعادلی میان دو خطر خیال‌پردازی محض و واقع‌گرایی محض برقرار می‌سازد. در این سازه، آرمان‌ها، به مسیر حرکت جامعه، جهت می‌دهند و واقعیت‌ها، به محدودیت‌ها و امکانات عملی، شکل می‌بخشند.

از منظر آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در تضاد نیستند (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۲). هم‌چنین، «معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آن‌ها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۵). این نگرش، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه را از یک نظریه صِرف، به یک راهبرد عملیاتی برای پروژه تمدن‌سازی ارتقاء می‌دهد.

رهبر شهید انقلاب تأکید می‌کند که «آرمان‌گرایی بدون ملاحظه واقعیت‌ها، به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید ... بدون دیدن واقعیت‌های جامعه، تصور آرمان‌ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دست‌یابی به آرمان‌ها» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۳). در همین راستا، ایشان اشاره می‌کند که «دنبال آرمان‌های حقیقی در قالب و لباس عملی آن بگردید؛ نباید دنبال ایده‌آل‌هایی بود که عملی و اجرایی نیستند» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۰۴). در این معنا، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، نوعی قطب‌نمای راهبردی محسوب می‌شود که از واقعیت‌های موجود آغاز می‌کند اما به آن‌ها محدود نمی‌ماند و هم‌زمان، چشم‌انداز حرکت به‌سوی آرمان‌شهر تمدن اسلامی را تعیین می‌کند.

این سازه، فاصله میان وضعیت فعلی جامعه و شرایط مطلوب را می‌پذیرد و در عین‌حال، بر امکان پیمودن این فاصله تأکید می‌کند؛ «فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته، در مواردی، بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پرانگیزه، با قدرت بیش‌تر طی خواهد شد» (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۱۸: ۱۴–۱۵). بنابراین، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، نه تنها چشم‌اندازی آرمانی ارائه می‌دهد، بلکه مراحل عملی و گام‌های اجرایی لازم برای تحقق آن را ترسیم می‌کند.

در چارچوب الگوی تجدد بومی، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، نقش محوری دارد. این سازه، مسیر تمدنی را از رویکردهای افراطیِ خیال‌پردازانه و مواضعِ انفعالیِ واقع‌گرایانه دور می‌کند و هم‌سو با ارزش‌های اسلامی و اهداف بومی، راهی عملی و مستدل برای پیشرفت جامعه فراهم می‌آورد. این رویکرد، با تأکید بر تلفیق آرمان‌ها و واقعیت‌ها، تحقق تمدن نوین اسلامی را از حوزه نظری به عرصه عملی هدایت می‌کند و آن را از آرمان‌گرایی محض یا واقع‌گرایی صِرف، متمایز می‌سازد.

مدل مفهومی الگوی تجدد بومی

با توجه به توضیحات ذکر شده، مدل مفهومی الگوی تجدد بومی در اندیشه تمدنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را می‌توان به شرح زیر معرفی کرد:

«عقلانیت دینی» مبنای تصمیم‌گیری و عمل در مسیر تجدد بومی، تلفیق عقل و وحی برای ارائه راهکارهای عملی و مکانیسمی پویا برای مدیریت جامعه و پیشرفت همه‌جانبه را فراهم می‌آورد؛

«نقد مدرنیته غربی و طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی» از طریق مواجهه فعال با دستاوردهای غرب بدون تبعیت کورکورانه و تلفیق گزینشی عناصر مثبت مدرنیته با ارزش‌های بومی، مسیری مستقل میان تقلید مطلق و طرد کامل الگوهای غربی را به تصویر می‌کشد؛

و نهایتاً «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» به تعیین اهداف بلندمدت و آرمان‌های تمدنی، تطبیق آرمان‌ها با واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ایجاد تعادل میان خیال‌پردازی محض و واقع‌گرایی صِرف می‌پردازد.

تعامل این سازه‌ها بدین شکل است که عقلانیت دینی به‌عنوان محور ارزیابی و گزینش علمی و ارزشی عمل می‌کند و معیار تصمیم‌گیری در مواجهه با مدرنیته غربی و طراحی پیشرفت بومی است؛ نقد مدرنیته غربی، زمینه‌ای عملی و روش‌شناختی برای تحقق تجدد بومی را با حفظ هویت اسلامی و بومی ایجاد می‌کند و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، چشم‌انداز و جهت‌گیری کلی مدل را مشخص می‌نماید و تضمین می‌کند که حرکت جامعه به سوی اهداف والا و عملی صورت پذیرد.

ویژگی‌های محوری الگوی تجدد بومی در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

پس از تبیین سازه‌های مفهومی تشکیل‌دهنده الگوی تجدد بومی، در این قسمت، ویژگی‌های محوری این الگو معرفی می‌شوند. این ویژگی‌ها که همچون شناسه‌های کارکردی الگو عمل می‌کنند، نحوه تجلی و تحقق عینی این الگو در فرآیند تمدن‌سازی را مشخص می‌سازند. از این‌رو، بررسی آن‌ها، امکان درک عمیق‌تری از چگونگی تبدیل اندیشه به عمل در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را فراهم می‌آورد. ویژگی‌های مذکور عبارتند از:

معنویت‌گرایی

در الگوی تجدد بومی، معنویت‌گرایی، در نقطه مقابل بحران‌های معنوی رایج در غرب قرار دارد و هدف آن، سوق دادن پیشرفت از مادی‌گرایی محض به سمت تعالی معنوی است. این ویژگی، با احیای بنیان‌های توحیدی و اخلاقی، مسیر تمدنی جامعه را براساس ارزش‌های الهی تنظیم می‌کند. از منظر آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، «بُعد معنویت و معناگرایی در انسان، همه ابعاد دیگر انسان را هدایت می‌کند» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۶). ایشان بحران‌های اخلاقی و معنوی موجود در غرب را دلیلی بر ناتوانی این تمدن در ایجاد معنا و امنیت روحی برای انسان‌ها می‌داند و معتقد است «نشانه بارز آن، رواج احساس

پوچی، احساس بیهودگی، احساس ناامنی روحی در بین آحاد مردم – به‌خصوص در بین جوان‌ها – در غرب است» (حسینی خامنه‌ای، ۲۰۱۴).

در این چارچوب، معنویت‌گرایی به‌عنوان یک ابزار فعال در الگوی تجدد بومی عمل می‌کند و علاوه‌بر ابعاد فردی، سطوح اجتماعی و حکمرانی را دربر می‌گیرد. رهبر شهید انقلاب بر مراقبت فردی از خود و رشد معنوی تأکید می‌کند: «از خودتان مراقبت کنید ... در معنویت، در تهذیب نفس ... با خدا انس پیدا کنید ... خودتان را از گناهان دور نگه دارید» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۲). این توجه به معنویت، به الگوی تمدنی امکان می‌دهد اخلاق، کرامت انسانی و ارزش‌های الهی را در هسته برنامه‌ریزی‌های کلان قرار دهد.

بدین‌ترتیب، معنویت‌گرایی در الگوی تجدد بومی، ضمن هدایت افراد، یک مؤلفه تمدن‌ساز و سیاست محور است که پیشرفت جامعه را با اخلاق و هویت اسلامی– ایرانی تلفیق می‌کند. این رویکرد تضمین می‌کند حرکت تمدنی جامعه، هم‌سو با ارزش‌های اخلاقی و معنوی باشد؛ از مادیت‌گرایی فاصله گیرد و به توسعه‌ای پایدار و در مسیر ارزش‌های الهی منتهی گردد.

عدالت‌خواهی

عدالت‌خواهی در الگوی تجدد بومی، ستون اصلی مشروعیت و شالوده کل پروژه تمدن‌سازی است. در این چارچوب، عدالت تنها یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه یک ویژگی محوری در تمدن مورد نظر است و تعادل در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برقرار می‌سازد. بدون تحقق عدالت، هرگونه پیشرفت، سطحی و فاقد معنا خواهد بود. در نگاه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، «اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پُر کردن فاصله طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۰۲).

مطابق این نگرش، عدالت، معیار سنجش اصالت پیشرفت است؛ زیرا تمدنی که بر نابرابری و تبعیض بنا شود، در منطق اسلامی، فاقد مشروعیت است. رهبر شهید انقلاب تصریح می‌کند که «اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۰۴). بدین‌ترتیب، عدالت در منظومه فکری ایشان، هم بُعد ارزشی دارد و هم بُعد کارکردی، و به‌منزله نیرویی جهت‌دهنده در سیاست‌گذاری‌ها و ساختار حکمرانی عمل می‌کند.

از سوی‌دیگر، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای تأکید دارد که «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این ... با منطق اسلام، پیشرفت نیست» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۲). بر همین اساس، تجدد بومی با محوریت عدالت‌خواهی، الگویی بدیل از توسعه ارائه می‌دهد که در آن، کرامت انسانی، توازن اجتماعی و برابری فرصت‌ها در کانون پروژه تحقق تمدن اسلامی قرار می‌گیرد و مسیر پیشرفت را از ظواهر مادی به‌سوی تحقق عدالت پایدار سوق می‌دهد.

علم‌گرایی

در الگوی تجدد بومی، علم‌گرایی به‌منزله موتور محرکه پیشرفت و یکی از ارکان بنیادین تمدن‌سازی، جایگاهی راهبردی دارد. البته این علم‌گرایی با خوانش سکولار غربی از علم، تفاوت بنیادین دارد؛ چراکه جایگزین دین نیست، بلکه مکمل آن است و در خدمت تحقق اهداف الهی و آرمان‌های تمدنی قرار دارد. در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب، «علم ... مایه اقتدار ملی است» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۲) و «جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمان‌های خودش را بالا بیاورد ... علم موجب می‌شود شما بتوانید آن آرمان‌ها، آن ... صراط مستقیمی را که در دست و اختیار شماست، مطرح کنید و کسان بیشتری را از بشریت، به آن هدایت کنید» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۰۶). در این نگاه، علم، علاوه بر ایفای نقش ابزاری در تحقق رفاه مادی، راهی برای شکوفایی معنوی و اقتدار فرهنگی امت اسلامی است.

علم‌گرایی موردنظر، در پیِ نفیِ بهره‌گیری از دستاوردهای علمی جهان نیست، چنان‌که رهبر شهید انقلاب تأکید می‌کند: «ما علم را از همه‌کس می‌گیریم ... اسلام به ما گفته: اطلبوا العلم ولو بالصین» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۰۵). در واقع، استفاده از دانش جوامع مختلف، گامی برای تولید دانش مستقل و بومی است.

بدین‌ترتیب، علم‌گرایی در الگوی تجدد بومی، تلفیقی از عقلانیت، ایمان، خوداتکایی علمی و بهره بردن از یافته‌های علمی جوامع دیگر است و علم را به نیرویی برای پیشرفت کشور، رشد معنوی، استقلال تمدنی و هدایت جامعه به‌سوی تعالی تبدیل می‌سازد.

استقلال‌خواهی

در الگوی تجدد بومی، استقلال‌خواهی، یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص تمایز آن از الگوهای توسعه غرب‌محور است. این ویژگی، در تقابل مستقیم با وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به نظام جهانی قرار دارد و هدف آن، حفظ حاکمیت ملی و صیانت از هویت اسلامی– ایرانی در عرصه تعاملات بین‌المللی است. استقلال‌خواهی، به‌معنای انزوا یا گسست از جهان نیست، بلکه بر تعامل فعال و هوشمندانه با نظام بین‌الملل تأکید دارد؛ تعاملی که در آن، معیار تصمیم‌گیری، منافع و ارزش‌های بومی است، نه دیکته‌های قدرت‌های جهانی.

از منظر آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، «استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان ... است ... استقلال یعنی آزادی؛ منتها نه آزادی یک شخص، آزادی یک ملت از تحمیل‌ها، از توسری‌زدن‌ها، از عقب نگه داشتن‌ها، از استثمارها» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۵). ایشان استقلال را مفهومی چندبُعدی می‌داند که عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را دربر می‌گیرد. در میان این عرصه‌ها، رهبر شهید انقلاب معتقد است «استقلال فرهنگی ... مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی– ایرانی انتخاب بکنیم ... تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست، نقطه مقابل استقلال فرهنگی است» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۱۶).

بنابراین، استقلال‌خواهی در الگوی تجدد بومی، نه فقط راهبردی سیاسی، بلکه مبنایی تمدنی است که تضمین می‌کند مسیر احیاء و بازسازی تمدن اسلامی از وابستگی به نظام سلطه رها شود و براساس ظرفیت‌های درونی و ارزش‌های فرهنگی خود، الگویی مستقل از پیشرفت را طراحی و تحقق بخشد.

مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی یکی از ویژگی‌های محوریِ الگوی تجدد بومی در پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است و در برابر دموکراسی‌های سکولار غربی، الگویی بدیل و بومی از حاکمیت مردمی برپایه ارزش‌های الهی ارائه می‌دهد. این الگو، با برقراری پیوند میان مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی، سازوکاری برای اداره جامعه برمبنای آموزه‌های اسلامی و اراده ملت فراهم می‌آورد.

در منظومه فکری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مردم، از نقش و جایگاه والایی برخوردارند؛ به‌طوری‌که «رسیدن به هدف‌های اسلامی – حالا اسمش را بگذارید نظام اسلامی، در نهایت تمدن اسلامی – جز با حضور مردم، جز با توجه و مبادرت مردم، امکان‌پذیر نیست؛ باید مردم بخواهند» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۲۴). ایشان تأکید می‌کند که «هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند» (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۹۹۹).

مردم‌سالاری دینی در این معنا، نه تکرار دموکراسی غربی، بلکه نظامی تلفیقی است که در آن، به‌طور توأمان، «دین و دنیا، دنیا و آخرت، مردم و خدا دخالت دارند و سازنده آن هستند» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۲۳). در این چارچوب، هرگونه کم‌رنگ شدن یکی از ارکان مردم‌گرایی یا خدامحوری، موجب اختلال در نظام سیاسی می‌شود؛ چنان‌که رهبر شهید انقلاب تأکید دارند: «هرکدام از این دو رکن تضعیف بشود، قطعاً اسلام و ایران، هر دو سیلی می‌خورند، ضربه می‌خورند از طرف دشمن» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۲۱). بدین‌سان، مردم‌سالاری دینی با حفظ پیوند میان ارزش‌های الهی و اراده عمومی، بنیانی برای شکل‌گیری تجدد بومی فراهم می‌سازد که در آن، مشارکت مردم در امور، در خدمت تحقق تمدن نوین اسلامی قرار می‌گیرد.

حفظ هویت ملی

حفظ هویت ملی از مؤلفه‌های بنیادین الگوی تجدد بومی در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است و با دیگر عناصر این الگو، ارتباطی ناگسستنی دارد. برخلاف ناسیونالیسم افراطی که بر جدایی فرهنگی و برتری قومی استوار است، هویت ملی در این چارچوب، مبتنی‌بر خودآگاهی تاریخی، بازشناسی ظرفیت‌های تمدنی ایران و پیوند آن با جهان‌بینی اسلامی است.

در نگاه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، حفظ هویت تاریخی و فرهنگی، شرط استمرار پیشرفت و عزت ملی است؛ «ملت ایران هویت خود را بایستی فراموش نکند؛ اگر هویت خود را فراموش کرد، ضربه خواهد خورد ... عقب خواهد ماند» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۲۳). از منظر ایشان، «واقعاً افتخار دارد ایرانی بودن؛ آن

هم ایرانی که امروز به‌خاطر مواضع سیاسی‌اش و مواضع بین‌المللی‌اش در دنیای اسلام، عزیزترین است ... احیاء و رشد بخشیدن به هویت اسلامی و دینی و ایرانیِ جوان‌مان، یکی از مهم‌ترین مسائل ماست» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۰۶). این هویتِ ترکیبی، موتور محرک پیشرفت کشور و عاملی برای احیای روحیه اعتماد به نفس ملی است.

رهبر شهید انقلاب بر ضرورت تقویت هویت در نسل جدید تأکید دارد و با اشاره به عناصر هویت‌بخش، مواردی هم‌چون زبان فارسی، ملیت و پرچم، به معلمان توصیه می‌کند که «احساس هویت ایرانی و اسلامی و شخصیت ملی را در کودکان این کشور باید زنده کنید» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۲۳). همچنین، ایشان هرگونه تقابل میان اسلامیت و ایرانیت را نفی کرده و می‌فرماید: «اسلامیت و ایرانیت دو قطب متضاد نیستند، یک حقیقتند ... حُبُّ الوَطَنِ مِنَ الایمَان» (حسینی‌خامنه‌ای، ۲۰۲۳). بنابراین، حفظ هویت ملی در الگوی تجدد بومی، تضمین‌کننده تداوم اصالت فرهنگی و استقلال فکری تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که در عین بهره‌گیری از دستاوردهای جهانی، در میراث تاریخی و معنوی خود ریشه دارد.

چارچوب عملیاتی ویژگی‌ها

براساس نکات ذکر شده، تعریفِ مختصرِ ویژگی‌های تجدد بومی در اندیشه تمدنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، در جدول زیر، قابل مشاهده است. هم‌چنین، به نقش این ویژگی‌ها در الگوی تجدد بومی، برخی از راهکارهای عملیاتی‌سازی و شاخص‌های سنجش آن‌ها، اشاره شده است:

جدول ۱: صورت‌بندی تحلیلیِ ویژگی‌های تجدد بومی در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

ویژگی	تعریف مختصر	نقش در الگوی تجدد بومی	نمونه‌هایی از راهکارهای عملیاتی‌سازی	نمونه‌هایی از شاخص‌های سنجش
معنویت‌گرایی	تأکید بر عمق‌بخشی معنوی به زیست فردی و جمعی به‌عنوان هسته هنجاری	جهت‌دهی ارزش‌محور به پیشرفت؛ جلوگیری از مادیت‌گرایی صِرف	آموزش تهذیب نفس در نظام آموزشی؛ جلوگیری از محتواهای ضداخلاقی در رسانه‌ها؛ ادغام آموزش و اخلاق در مسیر علم‌آموزی	شاخص‌های رضایت معنوی؛ شاخص‌های مشارکت در عبادت و فعالیت‌های داوطلبانه
عدالت‌خواهی	جست‌وجوی توازن و توزیع عادلانه منابع مادی و فرصت‌ها	مشروعیت‌بخشی به پیشرفت؛ تبدیل رشد به تعالی انسانی	اِعمال سیاست‌های مناسب در توزیع درآمدها؛ پیش‌بینی حداقل‌های رفاهی برای مردم؛ اجرای برنامه‌های کاهش فقر	ضریب جینی؛ شاخص فقر مطلق؛ دسترسی برابر به خدمات عمومی
علم‌گرایی	تولید علم بومی و	موتور فنی و	سرمایه‌گذاری هدفمند در	سهم تولید علم بومی؛

	بهره‌گیری از دستاوردهای علمی جوامع دیگر در خدمت اهداف تمدنی	معرفتیِ تحقق اهداف و آرمان‌ها؛ خوداتکایی علمی	پژوهش‌های بومی؛ تمرکز بر پژوهش‌های مسئله‌محور؛ شبکه‌سازی میان دانشگاه و صنعت	نرخ نوآوری؛ نسبت پژوهشگران به کل جمعیت
استقلال خواهی	حفظ حاکمیت ملی و خوداتکایی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در تعامل‌های بین‌المللی	صیانت از مسیر تمدنی دربرابر وابستگی و تسلط خارجی	مقاومت درمقابل سلطه بیگانگان؛ تنوع دادن به شرکای تجاری؛ تقویت پیوندهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با کشورهای اسلامی	وضعیت واردات کالاهای استراتژیک؛ شاخص خودکفایی؛ وضعیت سبک زندگی
مردم‌سالاری دینی	پیوند مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی؛ تحقق مشارکت عمومی در چارچوب دینی	پشتیبان اجتماعی و اخلاقیِ پروژه تمدنی؛ افزایش مشروعیت و مقبولیت تصمیم‌ها	ارتقای جایگاه نهادهای مشارکتی (از قبیل شوراهای محلی)؛ تقویت تحزب؛ شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها	نرخ مشارکت سیاسی؛ میزان رضایت مردم از عملکرد مسئولان؛ وضعیت سرمایه اجتماعی
حفظ هویت ملی	مراقبت از تاریخ و فرهنگ ایرانی در پیوند با ارزش‌های اسلامی	تضمین اصالت و پیوستگی تاریخی؛ مقاومت هویتی در مواجهه با جهانی‌شدن	گسترش برنامه‌های تربیتی هویت‌محور؛ حفاظت از زبان فارسی و هنرهای بومی؛ تاریخ‌پژوهی انتقادی	وضعیت هویت اجتماعی نسل‌های مختلف؛ جایگاه زبان فارسی؛ وضعیت میراث فرهنگی

براساس بررسی صورت گرفته درخصوص هر کدام از ویژگی‌ها، می‌توان جمع‌بندی زیر را ارائه داد:

معنویت‌گرایی، عنصری جهت‌دهنده است که از تهی شدن پیشرفت مادی از معنویت جلوگیری می‌کند و میان پیشرفت و ارزش‌های اسلامی پیوند برقرار می‌سازد؛ عدالت‌گرایی شرط وجودی نظام سیاسی است و بدون پیگیری آن، جمهوری اسلامی بی‌معنا خواهد بود؛ علم‌گرایی یک تکلیف دینی و ضرورت ملی است و ابزار تحققِ رسالتِ الهیِ نظامِ سیاسی محسوب می‌شود؛ استقلال‌خواهی، نوعی خودتعیین‌گری تمدنی است و تعامل هوشمندانه با جهان خارج، بدون از دست دادن حاکمیت ملی و هویت فرهنگی را تضمین می‌کند؛ مردم‌سالاری دینی با درنظر گرفتن پشتوانه عمومی برای پروژه تمدن‌سازی، مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی را کنارهم قرار می‌دهد، و حفظ هویت ملی، بر هم‌افزایی اسلام و ایران تأکید می‌کند و هویت اسلامی و ایرانی را مکمل یک‌دیگر می‌داند.

نتیجه‌گیری

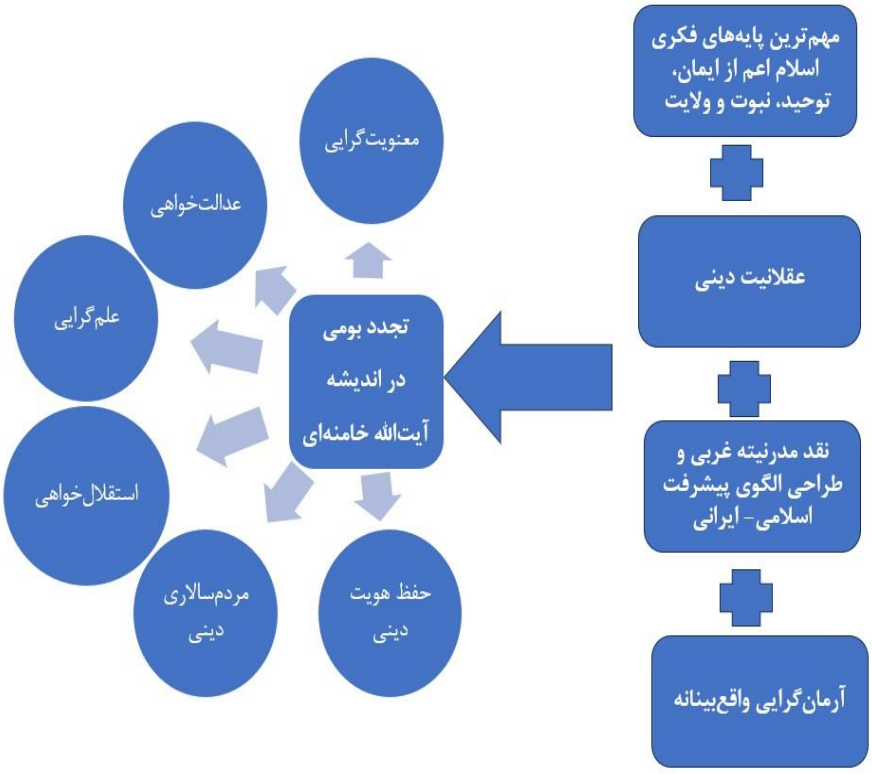
در این پژوهش، الگوی «تجدد بومی» در چارچوب پروژه تمدن‌سازی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد تجدد بومی نه یک نظریه صرفاً انتزاعی، بلکه چارچوبی هنجاری- عملی برای گذار از مدرنیته غربی و بازتولید تمدن اسلامی محسوب می‌شود. این الگو بر سه سازه مفهومی بنیادین استوار است: «عقلانیت دینی» به‌عنوان مبنای ارزیابی و روش شناخت، «نقد مدرنیته غربی همراه با طراحی الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی» به‌مثابه تعیین‌کننده مسیر حرکت، و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که پیوند میان اهداف بلندمدت و مقتضیات عینی را برقرار می‌سازد.

در سطح عملیاتی، شش ویژگی محوری نقشه راه این الگو را تشکیل می‌دهند: معنویت‌گرایی، جهت‌گیریِ ارزشیِ پیشرفت را تضمین می‌کند؛ عدالت‌خواهی، معیار اصالت و مشروعیتِ تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات است؛ علم‌گرایی، ابزارهای لازم برای توانمندسازی را فراهم می‌آورد؛ استقلال‌خواهی، حاکمیت اراده ملی را در برابر وابستگی تضمین می‌کند؛ مردم‌سالاری دینی، پشتوانه اجتماعی و بستر مشارکت عمومی به‌شمار می‌آید؛ و حفظ هویت ملی، استمرار تاریخی و اصالت فرهنگی پروژه را تأمین می‌نماید. ترکیب این سازه‌ها و ویژگی‌ها، الگویی چندبعدی و متوازن پدید می‌آورد که قادر است هم‌زمان، به نیازهای مادی و معنوی جامعه پاسخ گوید.

تمایز اساسی این الگو از مدل‌های رایج غربی در سه سطح، قابل‌تشریح است: نخست، مبنای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آن که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است؛ دوم، غایت‌شناسی آن که معیاری فراتر از رفاه مادیِ صِرف را دنبال می‌کند و در تعالی توأمان دنیوی و اخروی انسان تعریف می‌شود؛ و سوم، روش‌شناسی آن که میان طرد تقلید مطلق و تحجر، راه سومی مبتنی بر گزینش عقلانی و بازتعریف ابزارهای مدرن ارائه می‌دهد. بدین‌ترتیب، تجدد بومی، تلاشی متعادل برای پیوند برقرار کردن میان عقلانیت مدرن با ارزش‌های دینی و هویت بومی است.

تحقق عملی این الگو منوط به راه‌اندازی هم‌زمان نهادها، سیاست‌ها و فرایندهایی است که هر یک از شش ویژگی را تقویت کنند. فقدان یا تضعیف هر مؤلفه، می‌تواند کل پروژه را دچار انحراف یا ناکامی سازد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای پیشبرد پروژه تمدن‌سازی، سیاست‌گذاریِ هم‌راستا با شاخص‌های کمّی و کیفی مرتبط با هر ویژگی (مثلاً شاخص‌هایی برای سنجش عدالت، خوداتکایی علمی، مشارکت سیاسی و ارزیابی وضعیت هویت ملی)، تدوین و نظام پایشِ پیشرفت برقرار شود.

در جمع‌بندی نهایی، باید گفت الگوی تجدد بومی در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، نمونه‌ای از «مدرنیته بومی‌شده» است که قصد دارد عقل، معنویت و عدالت را به‌صورت هم‌افزا، در خدمت احیاء و بازسازی تمدن اسلامی قرار دهد و مسیر جدیدی برای نقش‌آفرینی ایران در عرصه تمدنی دوره معاصر ترسیم کند. شکل زیر، نمودار الگوی مورد اشاره است:



شکل ۲: نمودار الگوی تجدد بومی در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

Refrences

– Abdolmaleki, Hadi; Nezamipour, Ghadir & Ashayeri, Taha (2018). “Civilizational Transition Theory as a Strategy for Realizing the New Islamic Civilization with Emphasis on Islamic Awakening”. Journal of Fundamental Studies of New Islamic Civilization, Vol. 1, No. 1: 115-151. (In Persian)

– Akbari, Morteza and Rezaei, Fereydoun (2015). “Analysis of the Characteristics of the New Islamic Civilization in the Thought of the Supreme Leader”, Bi-Quarterly Journal of Studies of Islamic-Iranian Model of Progress, Vol. 3, No. 5: 85-108. (In Persian)

– Bahmani, Mohammad Reza (2014). “Modern Islamic Civilization in the Thought of Ayatollah Khamenei (Whatness and Howness of Civilizational Evolution of the Islamic Republic of Iran)”, Quarterly Journal of Criticism and Opinion, Vol. 19, No. 2: 198-237. (In Persian)

– Bahrani, Atiyeh and Forootani, Zahra (2021). "Political-Social Rationality from the Perspective of Imam Khamenei", Bi-Quarterly Journal of Islamic Politics Research, Vol. 9, No. 19: 72-108. (In Persian)

– Behnam, Jamshid (2015). *Iranians and the Idea of Modernity*, Tehran: Farzan Rooz. (In Persian)

– Esmaeili, Mohammad Mahdi and Abbasi Firoozjah, Meysam (2016). "Rationality of the Islamic Revolution from the Perspective of Ayatollah Khamenei", Bi-Quarterly Journal of Islamic Revolution and Sacred Defense Studies, Vol. 2, No. 2: 53-70. (In Persian)

– Giddens, Anthony (2008). *The Consequences of Modernity*, Translation: Mohsen Thalasi, Tehran: Markaz. (In Persian)

– Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2017). *Outline of Islamic Thought in the Qur'an*, Qom: Sahba. (In Persian)

– Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2018). *Statement of the Second Step of the Revolution Addressed to the Iranian Nation*, Tehran: Islamic Revolution. (In Persian)

– Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2019). *The New Age of the World*, Compiled by Saeed Ashiri, Tehran: Islamic Revolution. (In Persian)

– Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2021). *The Charter of Alavi Government; Exegesis of Seven Sermons of Nahj al-Balagha*, Tehran: Islamic Revolution. (In Persian)

– Hosseini Khamenei, Seyyed Ali. "Collection of Speeches", Official Website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei, Retrieved from: https://khamenei.ir. Note: Individual speeches are cited in the text by their respective years.

– Islami-Fard, Zahra (2020). *History of Islamic Culture and Civilization*, Qom: Ma'aref. (In Persian)

– Jan-Ahmadi, Fatemeh (2020). *History of Islamic Culture and Civilization*, Qom: Ma'aref. (In Persian)

– Mohammadi, Rahim (2015). *Iranian Modernity: An Attempt at the Phenomenology of Society and Science Issues*, Tehran: Scientific Civilization. (In Persian)

– Mollaei, Hassan (2023). "Analysis of the Mutual Role of Idealism and Messianic Expectation in the Thought of Ayatollah Khamenei", Quarterly Journal of Messianic Expectation, Vol. 23, No. 81: 77-98. (In Persian)

– Naimian, Zabihollah (2010). *Epistemology and Grounding of Rationality: Methodology for Analyzing Religious-Political Thinkers*, Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (In Persian)

– Najafi, Mousa (2012). *Philosophy of Modernity in Iran*, Tehran: International Publishing. (In Persian)

– Najafi, Mousa; & Gholami, Reza (2018). "The Islamic Revolution and its Pivotal Role in Shaping the New Islamic Civilization with Emphasis on the Doctrine of Imamate". Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies, Vol. 15, No. 55: 121-140. (In Persian)

– Niknehad, Ayub; Bayuk, Mohsen; & Mohammadi-Khanqahi, Mohsen (2022). "Explaining the Theoretical Model of Realistic Idealism in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Based on the Statement of the Second Step of the Revolution".

Bi-Quarterly Journal of Fundamental Studies of New Islamic Civilization, Vol. 5, No. 2: 95-126. (In Persian)

- Normani, Hassan; Zarei, Ghaffar and Ravanbod, Amin (2021). "Critique of Modern Western Civilization from the Perspective of the Islamic Revolution Discourse with Emphasis on the Views of Ayatollah Khamenei", Quarterly Journal of Sacred Defense Studies, Vol. 7, No. 1: 9-28. (In Persian)
- Rahimian, Mohammad; Keshavarz Shokri, Abbas and Hadavi, Asghar (2023). "Discourse Analysis of the New Islamic Civilization in the View of Ayatollah Khamenei based on James Paul Gee's Theory", Bi-Quarterly Journal of Fundamental Studies of New Islamic Civilization, Vol. 6, No. 2: 51-78. (In Persian)
- Roshan-Zamir, Mohammad Ebrahim and Arabi, Ali (2019). "Idealism while Realism from the Perspective of the Quran". Bi-Quarterly Journal of Quranic Teachings, Vol. 16, No. 29: 175-197. (In Persian)
- Rostamipour, Sajjad (2018). *Political Thought of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei*, Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (In Persian)
- Rouhi, Nabiollah (2013). "The Perspective of Islamic Civilizational Discourse in the Thought of the Supreme Leader", Quarterly Journal of Basij Strategic Studies, Vol. 16, No. 61: 5-32. (In Persian)
- Sari' al-Qalam, Mahmoud (1992). "Tradition, Modernism and the Culture of Development", Political-Economic Information, No. 61 & 62: 26-29. (In Persian)
- Seyed Emami, Kavous (2021). *Research in Political Science; Positivist, Interpretive and Critical Approaches*, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Soltani, Mostafa; Farmanian, Mahdi; & Rouhi, Nabiollah (2019). "Intellectual Foundations of the New Islamic Civilization in the Thought of the Supreme Leader", Quarterly Journal of NAJA Strategic Studies, Vol. 4, No. 14: 5-29. (In Persian)
- Velayati, Ali Akbar (2005). *Culture and Islamic Civilization*, Qom: Ma'aref. (In Persian)